

درس‌های نیچه برای زندگی

جان آرمسترانگ
صالح نجفی

| | | |
|-----|-------|---------------------------------------|
| ۱۱ | | یادداشت مترجم |
| ۱۷ | | مقدمه |
| ۲۳ | | ۱. چگونه بهترین خود خویش را پیدا کنیم |
| ۳۵ | | ۲. به تماشای اهرام |
| ۴۹ | | ۳. درافتادن با تضاد |
| ۵۵ | | ۴. راه پرخار آزادی و بلوغ |
| ۶۵ | | ۵. دربارهٔ تغییر نظر دادن |
| ۷۳ | | ۶. حُسن‌های شوک‌درمانی |
| ۸۵ | | ۷. بزرگ‌منش باش نه بنده‌صفت |
| ۹۵ | | ۸. کم‌نیاوز: رگ باش |
| ۱۰۱ | | نتیجه: آداب نگهداری دفتر یادداشت |
| ۱۱۵ | | مشق شب |
| ۱۲۳ | | فهرست نام‌ها |

یادداشت مترجم

پل ریکور در کتاب بسیار اثرگذار فروید و فلسفه، که نخستین بار در سال ۱۹۷۰ به چاپ رسید، از سه چهره کلیدی نام برد که هر یک به طریقی در شکل دادن به جهان فکری قرن بیستم نقش داشت. سه متفکر مورد نظر او از راه‌های مختلف کوشیده بودند تا بود را از نمود و واقعیت را از ظاهر جدا کنند؛ قصدشان این بود که حجاب از چهره واقعیت بردارند، رموزها را از بین ببرند و منفعت جویی‌های پنهان را برملا کنند. به تعبیر ریکور، این سه متفکر با آن که اندیشه‌های شان مانع‌الجمع می‌نماید به اتفاق هم استادان «مکتب سوءظن» یا مدرسه «بدگمانی» به شمار می‌آیند: مارکس، فروید، نیچه.

جی. پی. اشترن، نویسنده کتاب کم حجم و پرمغز نیچه (۱۹۷۸)، که با ترجمه عالی عزت‌الله فولادوند به فارسی ترجمه شده است افکار هر سه را جزء میراثی می‌داند که از قرن نوزدهم به ما رسیده است، «میراث روزگاری که مردم آن بیش از مردم هر عصر